آموزش ترجمه: زبان آموشی یا مترجمی

نادر حقانی
استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۱/۱۵
تاریخ تأبیه نهایی: ۸۳/۲/۲۰

چکیده
برنامه‌ریزی درسی بر اساس معیارهای علمی، از اصول اولیه برنامه‌ریزی آموزشی می‌باشد و تعیین امکانات و ابزارها نیز باید در این راستا صورت گیرد. چنانچه برنامه‌های آموزشی فقط با توجه به افراد و امکانات موجود و با معیارهای غیرعلمی تدوین گردند، هم کمیت و کیفیت رشته‌های خودشند و هم برنامه‌نامه‌نگاری شده منجر به ایجاد جایگاه و هزینه و تغییر انسانی خواهد شد. انتخاب برنامه به معیارهای علمی روز و عوامل برنامه‌ریزین در گروه‌های آموزشی می‌باشد. تجربه برهنه متوجه این امر است و از جمله وظایف برنامه‌ریزی در سالانه گذشته بستگی به میزان برنامه‌برداری و نقد اشکالات ساختاری و محترمی برنامه دارسی دوره‌های کارشناسی مترجم و زبان آلمانی فراهم ساخته است تا این برنامه مورد بازبینی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: برنامه، مترجم، محورها، ساختار، محترم، آموزش

*مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی «بررسی مشکلات ساختاری و محترمی رشته زبان آلمانی دوره کارشناسی و تدوین راهکارهای نوین علمی و کاربردی به شماره ۱۴۵۶/۲/۵۹۶» است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.
مقدمه

على رغم ارتباط مروزهی آموزشی دانشگاه‌ها، علاوه بر تبعین حداقل و حداکثر میزان
واحدهای درسی در هر رشته و در هر مقیط تحصیلی، دارای اختیار تام در زمینه‌ی نداین،
اصلاح و یا تغییر کلی برنامه درسی رشته‌های دانشگاهی بر اساس آن‌های خاصیت‌های علمی نیز
می‌باشند، اما از این استخراج: حداقل در مورد رشته‌های مترجمی زبان آلمانی - کمتر استفاده شده
است. گواهای این مدعای عدم بازنگری برنامه آموزشی این رشته از بعده اقلیت‌های اسلامی ایران نا
به حال می‌باشد. حال آنکه تجربه به دست آمده در سال‌های گذشته در کنار مطالعات علمی،
بستری مناسب برای به‌نقد کشیدن برنامه درسی کارشناسی مترجمی زبان آلمانی فراهم
کرده‌است. در راستای نیاز اساسی به بازنگری کامل رشته مترجمی در مقیط کارشناسی، برنامه
درسی این رشته از بعده مشکلات ساختاری و محتمالی مورد بررسی قرار گرفت و تدوین
راهکارهای نوین و به‌عبارت دیگر نگارش برنامه جدید برای این رشته، با پیش‌فرض
ضرورت و اهمیت ایجاد و ارائه رشته مترجمی، بر اساس مؤلفه‌های چگونگی ارائه رشته،
محورهای ساختاری و چارچوب محتمالی رشته، حوزه‌های تخصصی و بر‌پایه لازم برای
ارائه آموزش ترجمه و همچنین پیش‌بینی استفاده از دروس دیگر دانشگاه‌ها، در قالب یک
طرح پژوهشی به انجام رسید. در نوشته‌های حاضر، مسائل مربوط به آموزش ترجمه از منظر
مشکلات برنامه‌ریزی، نداداشت تعريف درست از واحد درسی، چگونگی ارتباط عمودی و افقی
بین دروس و ضعف‌های ساختاری برنامه‌های مترجمی زبان آلمانی دانشگاه‌های تهران مورد
پرسی قرار گرفته است. در حوزه آموزش ترجمه، تجزیه و تحلیل روش‌های آموزش ترجمه
نزد اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. چگونه پژوهشی جدگان‌ها می‌توانند، شیطان ذکر است از
ابتدای نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳، نتیجه این طرح - برنامه جدید رشته مترجمی زبان
آلمانی در مقیط کارشناسی پس از تصویب شورای برنامه‌ریزی دانشگاه جایگزین برنامه قبلی
گردید.

بحث و بررسی

تأسس دوره‌های تریب مترجم در اروپا، ابتدا از کشورهای آلمانی زبان و در دهه چهارم
قرن گذشته میلادی آغاز گشت و بعد از آن در کشورهای اسکاندیناوی و از سال 1957 در فرانسه ادامه یافت. شایان ذکر است که اولین مرکز مستقل ترجمه متراژم در سال 1930 در آلمان تحت عنوان «مؤسسه هایدلبرگ»، در حوزه علوم انسانی و مراکز آموزش زبان، بلکه در گروه رشته‌های بازرگانی و اقتصادی تأسیس شد (اسنل- هورن، 1999، ص 31). گسترش و رشد سریع این دوره‌ها در قالب رشته‌های تحصیلی مستقل، از دهه هشتم میلادی به بعد، شتاب بیشتری یافته است. برخلاف کشورهای نامبرده، رشته متراژم در دانشگاه‌های ایران هیچگاه به عنوان رشته‌های مستقل مطرح نبوده است. در واقع، اگرچه این رشته از زمانی که در قالب دوره‌های آموزشی در دانشسرای‌های عالی تدریس می‌شد تا امروز به عنوان رشته‌ای به معنا واقع و دانشگاه‌های خود، در دانشگاه‌ها ارائه می‌شد، دچار تغییر و تحولات زیادی شده، اما متأسفانه با وجود گذشته چندده هزار جایگاه اصلی خود را در دانشگاه‌های ایران آنطور که شایسته آن است، نیافته و کمیکان این ذهنیت که تسلط به زبان خارجی به معنی متراژم بودن ضمیمی و یا متراژم شدن متراژهای ترجمه‌ای اضافه شده و گاهی نیز بر اساس و ارائه نامناسب واحدها و هم گاه یکسانی بر اساس ارائه بعضاً نامناسب با رشته، بسیاری به شدت که رشته متراژم عملاً از هدف اصلی خود که ترجمه متراژم است، دور بمانند و بیشتر (به شکلی نادرست) در خدمت آموزش زبان قرار گیرد. عدم استقلال رشته متراژم و استفاده از آن در آموزش زبان، با نگاهی که در راه‌های درسی ارائه شده در برنامه رشته متراژم به خوبی نمايان می‌شود. تعدادی از برنامه‌های درسی رشته متراژم از رشته آموزش زبان و عدم تعريف چگونگی ارتباط موضوعی و محترمی این واحدها به واقعی و ارائه متراژم است. ارائه (برایکنده) واحدهای آموزش زبان در طول دوره تحصیلی با توجه به آن که تعمیق این دانش زبانی همان تقویت مهارت متراژم است، نشانگر نیمی از مشخصه‌های این رشته تحصیلی است که ناباید نهایتاً بررسی این رشته قرار گیرد. ارتقای دانش مهارت‌های مختلف در زبان خارجی برای درک
بهتر و تجزیه و تحلیل عمیق‌تر مطالب برای مترجمان، وابسته به دوره‌ای خاص نیست و اصولاً تعیین دانش و درک زبان، به عنوان محور تمامی رشته‌های مرتبط با زبان‌های خارجی، باید حرکتی پیوسته در تمامی دوران شغلی باشد.

محور اصلی و شاید تنها محور برنامه‌های فعلي، تلفیق برنامه آموزشی زبان‌های خارجی با چند واحد تمرینی نتایج خواهد بود. تعیین و تعریف چگونگی ارتباط این دو با هم است. عدم تبیین هدف، نامشخصی بودن مسئول آموزش و اختلال دوره یاپه و دوره گرايش، منجر به گذراندن محض واحدها و کسب ناصل تخصصی تعیین شده در برنامه می شود که خود عدم موفقیت در ورود به مقطع بالاتر و همچنین بازار کار با دنبال دارد. حال آن که تعیین هر دورة آموزشی و یا رشته تخصصی، مستلزم انجام تحقیق در همه ارکان آن، از جمله برنامه آموزشی است. از آنجا که مسئولیت تخلیه دانش‌گاهی، هر گرفتاری در رشته و تخصصی این دوره، در برنامه آموزشی ضمین برآوردن نیازهای خاص آن دوره، یاپه یاپه ساز مقطع بعدی همین دوره نیز باشد. ضمن آن که برنامه آموزشی هر رشته به مثالی تغییر کرکت دانشجو، اساس ساخته کار گروه آموزشی و تعیین دقیق محور آموزشی استاد - دانشجو است.

گام اول در تدوین هر برنامه‌ای، تعیین دقیق ضرورت و مهمی ایجاد رشته است که در قالب آن ب موردی از قبیل دیل ایجاد رشته (نوع آوری، نیازهای منطقی، همکاری در سطح بین المللی و ...) اهداف (انتقال دانش تعمیق و گسترش معلومات نظری، تریبیت نیروی متخصص و ...) چگونگی ارتباط رشته با سایر علوم و جایگاه و آینده رشته (انطباض با بازار کار، ...) برداخته می شود. در حال حاضر تدوین برنامه‌های رشته ترجمه در دانشگاه‌های ایران بر اساس تقسیم‌بندی ظاهروی این رشته به دو بخش آموزش زبان و آموزش ترجمه صورت گرفته است. شاید سیاست سازمان سنجش کشور در خصوص پذیرش دانشجو در رشته ترجمه و عدم نیاز به دانش زبان مقدارت شرکت در کلاس‌های این رشته - حتی در مورد سفارت مترجم زبان انگلیسی - یکی از دلایل آن باشد. در کانون که به هم باید مترجم زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران می‌پردازند، فاقد کمترین مکملات توانایی در آن زبان‌های بی‌بی پذیرش شده یکسان باشد، با پایه زبانی صفر در دوره‌های مترجمی پذیرفته می‌شوند. طبعاً با
آموزش ترجمه: زبان آموزی یا مترجمی

این شرایط ارائه واحدهای اختصاصی مترجمی در به تحصیل به دلیل عدم آشنایی (مطلوب) با زبان مقصود، عملکرد مرکب است. با این اگر به توجه دهدن رشته مترجمی، در ابتدا دوره چارهای جز آموزش زبان خارجی به دانشجویان نذراند، بدین ترتیب بیش از نیمی از دانشجویان به بدین روش ترسیم تأمینی می‌باشد که خود به صورت غیرمستقیم تأکیدی بر خلافش شدن تشکیل می‌دهد. این امر نتیجه به تسلط به زبان بیگانه و نیز نقطه شروع برنامه‌نویسی آموزشی این دوره است. در صورتی که در دانشگاه‌های اروپایی مورد تحقيق که دارای رشته مترجمی اند، دانستن حداقل یک زبان خارجی (به عنوان زبان مقصود) آن هم در حد پیشرفت، از شرایط اولیه تحصیل در این رشته است.

ارائه دروس اختصاصی هر حوزه، باید بر اساس تعیین مشخص و توجیه علمی باشد. با این حال مدت زمان مستقیم زبان در طول برنامه‌های مورد رشته مترجمی زبان اغلب بازیابی شده و ابتدا از واحدهای آموزش زبان و واحدهای ترجمه و همچنین نبود تعريف درست و علمی از واحدهای ترجمه است. به عنوان مثال، در حالی که در برنامه دو نیلزیزی، واحدهای ضروری آموزش زبان، مانند واحدهای مربوط به دستور زبان، در نیمارهای پنجم و ششم ارائه می‌شود، دانشجوی نیمسال سوم به این زبان که وی در مرحله یادگیری مقدمات زبان است مکلف به اکت واحدهای ترجمه (ساده) بدون تعریف به این وضعیت مفهوم آموزشی و تعیین معیار علمی اندازه‌گیری آن می‌شود. اگر منظور از ترجمه ساده، نیاز به در راستای آموزش زبان صورت گرفته و این خود می‌تواند چند جدایی را در آموزش زبان و شیوه‌های آموزشی است. چنانچه این گونه درجه درجه تقویت توانایی ترجمه دانشجو باشد، عملکرد آموزشی تکرار دانسته‌هاست و در صورت پیچیدگی معناپی و نبود دستوری، با توجه به عدم مواردی کافی دانشجو در زمینه دستور زبان خارجی، ترجمه متن های با ساختار و قواعد دستوری و معنایی نسبتاً مشکل امکان پذیر نیست.

این مسئله خود نشانگر نداشتن تعیین دقیق از رشته مترجمی و نبود مرزندی مشخص بین دانش زبانی و توانایی ترجمه است. شاید نگاه سنتی به یادگیری زبان خارجی و یا
ارزش گذاری یکی از روش‌های آموزش زبانی می‌تواند در ساخت و ساز نسبت به سایر
روش‌ها و یا همان‌گونه که ذکر شد یکسان دانستن نسل بشه زبان خارجی و توانایی ترجمه
منجر به تداخل حوزه‌های گردیده است.
از دیگر مشکلات برنامه‌های متخرجی عدم تبیین حوزه‌های تمرين ترجمه و اکتفا به ذکر
عناوین واحدها با تعاریف کلی، نادقاق و مبهم از قبیل ترجمه ساده، ترجمه پیشرفته و ترجمه
متن علوم انسانی تحت شماره‌های اول و همچنین استفاده از متن‌های مختلف بدون نابلست
آموزشی برای تمرين ترجمه با شیوه‌های یکسان در تمام متن‌ها است. از نظر ایجی که دید کلی
حاکم بر ترجمه، آموزش زبان است، نوع متن‌های هم که برای ترجمه به دانشجو ارائه
می‌شود، بعضاً با همین دید برگردیده شده‌اند. انتخاب (و یا در مواردی محدود تدوین) این
متن‌ها به گونه‌ای است که اغلب نکته‌های دستوری خاص و یا گسترش واژگان آن زبان مد نظر
قرار گرفته است و در واقع هدف از تمرين ترجمه، آموزش قواعد دستوری، گسترش واژگان
و یا حتی آموزش املا است تا با ترسیم‌بری برای یازده‌اندیشی متون مبدا در زبان مقدس. به
همین دلیل اغلب متون و در واقع محمل‌های ترجمه شده، بیشتر به برگردان نشان‌های می‌مانند و
نی ترجمه به معنای مصطلح آن.
از طرفی در این نوع روشی که ترجمه، غالباً ساختارها و واژگان مد نظر استاند، ترجمه صحیح
تلقی می‌شود و دانشجویان بیشتر آن‌طور ترجمه می‌کنند که استاند از آن‌ها می‌خواهند، بدلی ترکیب هر
گونه خلاقیت و به تعیین بهتر بازی آفرینی خلاق در ترجمه و بیان محتوای مطلب و منظور نگارنده متن
مبدأ با ساختارهای متنوع از دانشجو گرفته می‌شود و این خود نه تنها موجب افزایش دانش زبانی
دانشجو نمی‌شود، بلکه موجب خلق ترجمه‌های کلی‌شناسی می‌شود. بدلی شکل کلاس عملی ترجمه، که
به مثابه کارگاه آموزشی ترجمه است کارایی اصلی اش را از دست می‌دهد و به تبع آن، دانشجو صرفاً به
دسته‌بندی دوگانه "ترجمه غلط و ترجمه درست" می‌پردازد و با این الگو در خصوص ترجمه‌های
مختلف از یک متن اظهار نظر دستوری (بر گرفته از آموزش زبان) می‌کند (دوزینی، ۱۹۹۷، ص۸۳).
در مجموع شاید بتوان با تعريف فنی کلمه ترجمه و درک ناهمگن مفهوم آن را، از مهم‌ترین
معمولاً برنامه‌های رشته‌متخرجی دانست. ترجمه، دارای دو مفهوم متفاوت یعنی فرایند ترجمه و
محصول ترجمه است. فرایند ترجمه روندی ذهنی است که در بستر آن چگونگی انتقال متن در فرهنگ

آموزش ترجمه: زبان آموزی یا مترجمی

و جامعه زبان مبدأ و با جهت‌گیری زبان مقصد به وقوع می‌پیوندد. اما محصول ترجمه حاصل برگردان متن است که در بستر فرهنگی و جامعه زبان مقصد قابل درک و اندوزه‌گیری است. چنان‌چه ترجمه یا به معنی دیق‌تر فرامید ترجمه یا روندی ذهنی که خود شامل دوگان مفهوم متن در قابلیت ساختار مشخص در زبان مبدأ و شکل‌گیری آن مفهوم در ساختاری جدید (زبان مقصد) به منظور ارائه متن مقصد (محصول ترجمه) در بستره فرهنگی است، تعريف نماییم، سه رکن اصلی ترجمه و به نسبت دیگر، سه محور اصلی رشته مترجمی را در حوزه آموزش ترجمه به منظور برنامه‌ریزی تعريف کرده‌ایم. به‌ذهن داشتن آگاهی و داشت در موضوع مورد ترجمه را که جزئی از شروط عمومی ترجمه است، باید محوری تکمیلی و جدایانه تعريف کرد. مسلمان ترجمه هر متن مستلزم داشتن دانش کافی در حوزه مربوطه است، به عنوان مثال ترجمه یک متن فنی، بدون داشتن اطلاعات تخصصی، فقط برگرداندن نشان‌های زبان است. در نظر گرفتن هر سه رکن یعنی فرانک ترجمه، محصول ترجمه و بستره فرهنگی در تدوین برنامه رشته مترجمی از اهمیت زیادی پربرخوردار است. بنابراین در تغییر بخش "آموزش ترجمه" پیش بینی واحدهای درسی و یا استفاده از شیوه‌های مختلف آموزش ترجمه، باید بر اساس سه رکن مذکور صورت پذیرد. جدا از بخش "آموزش زبان" و بخش "آموزش ترجمه"، توضیح چگونگی و مزیت ارتباط بخش‌ها با یکدیگر، تعريف دقیق محورهای مربوط به خش و همچنین نحوه ارتباط محورها با هم از یک سو و با محور دروس تکمیلی از سوی دیگر، نشان دهنده مسیری است که باید در برنامه‌ریزی پیموده شود. این مسئله همانطور که گفته شد، در مورد برنامه دورة دوم رشته مترجمی زبان آلمانی رعایت نشده است. نمودار زیر پراکنده نامناسب سه حوزه آموزش زبان، تمرین ترجمه و دروس تکمیلی در برنامه دورة دوم را نشان می‌دهد.
همانطور که از نمودار فوق برمی‌آید، پراکندگی سه حوزه آموزش زبان، تمرین ترجمه و تکمیلی است. دروس تکمیلی از یک سیر اصولی برخوردار نیست، به طوریکه دامنه حوزه آموزش زبان حتی تا نیمسال هشتم، علی‌پایان دوره تحریک نیز ادامه دارد. از طرفی ارائه واحدها در هر حوزه نیز از روال منطقی و معادلی برخوردار نیست، به طوری که نمودار مربوط به هر حوزه، در طول دوره، سیر صعودی و نزولی نامنظمی را نشان می‌دهد. به عناوین مشال نمودار حوزه آموزش زبان، کاهش واحدهای این حوزه در ابتدای ورود به نیمسال سوم و سپس افزایش در نیمازد واحدها در نیمسال چهارم و عدم تغییر در تعداد آنها در نیمسال‌های چهارم تا ششم نشان می‌دهد. حال آن که در یک برنامه‌ریزی علمی، نمودار حوزه آموزش مستقیم زبان، در طول دوره باید سیر نزولی منطقی را طی کند. این مسئله در مورد حوزه ترجمه نیز صادق است. به طوری که این نمودار به چای پیمودن سیر صعودی منظم از ابتدای تا پایان دوره، کاهش واحدها در دو نیمسال چهارم و ششم را نشان می‌دهد.
آموزش ترجمه: زبان آموزشی یا ترجمه

۱. مشکلات ساختاری و محتمالی برنامه‌ی دوم رشته‌ی ترجمه زبان آلمانی

با نگاهی به برنامه رشته زبان آلمانی در دانشگاه تهران، می‌توان دریافت که با تأسیس این رشته تحت عنوان "زبان آلمانی" در سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶ (دوره اول فعالیت) هیچ گونه گرایش خاصی برای دو دانش‌آموز کارشناسی در نظر گرفته نشد. زندگی این گروه به سمت ادبیات آلمانی است. دوره دوم فعالیت مجدد این رشته که پس از توقفی چهارساله (۱۳۶۶ - ۱۳۶۸) در سال ۱۳۶۸ تحت عنوان جدید "تاریخ تاریخ" شکل گرفت، گروهی ساختگی جدید و صریح این رشته با اشاره مستقیم به گروهی ترجمه است.

به منظور پاسخگویی به دو سوال: "مشکلات ساختاری و محتمالی برنامه رشته ترجمه (زبان آلمانی) چیست؟" و "یک برنامه نوین دارای چه مشخصه‌هایی است؟" این مطالعه در قالب تحقیق پژوهشی و عملی با استفاده از روش استنادی (کتابخانه‌ای) و در چهار مرحله صورت پذیرفت:

در مرحله اول با نگرش آموزشی به نحوه آراهه واحده‌ی در چارچوب زبان آموزی پرداخته شد و ساختار واحده‌ی مورد تجزیه و تحلیل ساختاری و آماری قرار گرفت.

در مرحله دوم با نگرش آموزشی - تریبیتی با توجه به گروهی ترجمه، به جنبه‌های نظری و عملی تریبیت مدرک پرداخته شد و رئوس مطالب و محور‌های اصلی گروایش ترجمه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در مرحله سوم نحوه آراهه رشته ترجمه (کتابی) در دانشگاه تهران با دانشگاه‌های کشورهای آلمانی زبان، انگلیسی زبان، و فرانسوی زبان مقایسه شد.

در مرحله چهارم برنامه‌ای مدون و علمی برای رشته زبان آلمانی با گروایش ترجمه نوشته شد.

با انجام مطالعات کارشناسی در مرحله اول، برنامه رشته زبان آلمانی از تکمیل بندی ساختاری و ارائه یک قسمت در قالب واحدهای درسی تا تأملات آموزشی و تریبیتی ارائه واحدها در چارچوب زبان آموزی و تریبیت مدرک مورد نقد و بررسی قرار گرفت و به تحلیل علمی ساختار رشته پرداخته شد. از مهمترین نقاط ضعف ساختار برنامه دوم رشته‌
مترجمی زبان آلمانی، نبود تعریفی مشخص از اهداف آموزش و عدم تماشا و تبیین در دو قسمت کاملاً مستقل آموزش زبان آلمانی و گراش مترجمی این رشته است. فاکتور اهداف آموزشی مشخص نشده باشد، یا به روشی بیشین نشده باشد، دیر با زود در طراحی دروس، ارائه دروس، درسبایی دروس و ... ابهام و سردرگمی ایجاد می‌شود. اهداف آموزشی مشخص علاوه بر این که می‌تواند را برای انتخاب مواد آموزشی و شیوه ارائه دروس فراهم می‌سازد، می‌تواند برای ارزیابی موفقیت دوره آموزش نیز به کار رود (گیر، ص ۱۳۷، ص ۶۶). در یک برنامه گرایشی علمی، هدایت دانشجویان به سمت انتخاب گراشی، قاعدتاً با بید پس از اتمام دوره یکی برای آموزش زبان آلمانی بیش بینی شده است، صورت پذیرد، اما برنامه دورة دوم فاقد این جداربی اصولی است و در آن، دوره زبان آموزی نه به صورت منسجم، بلکه به طور گسترده تقیداً در گروه کارشناسی صورت می‌پذیرد. به غیرین دیگر بخش آموزش زبان که خود به دو قسمت آموزش اولیه (ایجاد و گسترش مهارت‌های چهارگانه زبانی) و بخش تعمیق و گسترش بخش اولیه (تعمیق و جهت دهی به توانایی و معلومات زبانی) قابل تفسیر است، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. در بخش گراشی نیز گسترشی برنامه و بخش واحدهایی که به نوعی با آموزش ترجمه در ارتباط اند در طول برنامه به جشید می‌خورند. این مسئله خود حاکی از عدم توجه به ساختار یک رشته و همچنین ضعف بینش برنامه‌ریزی از ابتدای ورود به رشته نا قابل تحصیلی است.

جدول زیر بانگر بودن دروس مربوط به دو حوزه آموزش زبان و آموزش مترجمی در طول برنامه دورة دوم تحصیلی است:
جدول شماره ۱

| تعداد واحدا | نام درس | نیمسال | بخش | رده‌ف
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱۲</td>
<td>پیش دانشگاهی</td>
<td>قبل از اول</td>
<td>آموزش زبان</td>
<td>۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰</td>
<td>زبان آلمانی (۱)، گفت و شنود (۱)، درک مفهوم و تمرین بیان (۱)</td>
<td>اول</td>
<td>آموزش زبان</td>
<td>۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰</td>
<td>زبان آلمانی (۲)، گفت و شنود (۲)، درک مفهوم و تمرین بیان (۲)</td>
<td>دوم</td>
<td>آموزش زبان</td>
<td>۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲</td>
<td>دستور زبان آلمانی (۱)، جمله نویسی و مقدمات انشا (۱)، تمرین واژگان و اصطلاحات (۱)، ترجمه ساده از آلمانی (۱)، اصول ترجمه</td>
<td>سوم</td>
<td>آموزش زبان/تمرین ترجمه</td>
<td>۲</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۵</td>
<td>دستور زبان آلمانی (۲)، جمله نویسی و مقدمات انشا (۲)، تمرین واژگان و اصطلاحات (۲)، ترجمه ساده از آلمانی (۲)</td>
<td>چهارم</td>
<td>آموزش زبان/تمرین ترجمه</td>
<td>۲</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۷</td>
<td>انشا (۱)، دستور پیشرفت (۱)، تجزیه و تحلیل دستوری متن (۱)، درآمده بردیابی (۱)، ترجمه ساده از فارسی (۱)، ترجمه نامه‌های اداری و بازرگانی (۱)، بررسی ترجمه متن اسلامی (۱)</td>
<td>پنجم</td>
<td>آموزش زبان/تمرین ترجمه</td>
<td>۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۷</td>
<td>انشا (۲)، دستور پیشرفت (۲)، تجزیه و تحلیل دستوری متن (۲)، درآمده بردیابی (۲)، ترجمه ساده از فارسی (۲)، ترجمه نامه‌های اداری و بازرگانی (۲)، بررسی ترجمه متن اسلامی (۲)، ترجمه مکاتبات و اسناد (اختياری)</td>
<td>ششم</td>
<td>آموزش زبان/تمرین ترجمه</td>
<td>۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۳</td>
<td>تلخیص متن (۱)، بررسی تطبیقی، مقدماتی دستوری زبان فارسی و زبان آلمانی، ترجمه متن مطبوعاتی فارسی (۱)، ترجمه متن انسانی (۱)، ترجمه پیشرفت از فارسی (۱)</td>
<td>هفتم</td>
<td>آموزش زبان/تمرین ترجمه</td>
<td>۴</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۳</td>
<td>تلخیص متن (۱)، ترجمه متن مطبوعاتی (۲)، ترجمه پیشرفت از فارسی (۲)، ترجمه انفرادی (۲)</td>
<td>هشتم</td>
<td>آموزش زبان/تمرین ترجمه</td>
<td>۴</td>
</tr>
</tbody>
</table>
عده پیش‌بینی اهمیت‌های کتالیو کیفیت و کمیت دانش کسب‌شده در کنار نبود یک ضرورت اساسی منبنا بر نوشتئین یک پایان‌نامه دورة کارشناسی در قالب پروژه، موجب سطحی شدن برنامه شده است. در نهایت حصول مقصود و داشتن خروجی مناسب این رشته که همان‌ا مترجمانی توئنار در زبان آلمنی است با وجود مشکلات یا اختاری مذکور نمی‌تواند به طور مطلوب با آوردته شود و دانش‌آموختگان این رشته نمی‌توانند در بازار کار و سایر زمینه‌های مربوط به موضوع کامل دست یابند.

مشکلات محتوایی نیز در هر دو بخش برنامه وجود دارد. با توجه به این که دانشجویان ورودی، به معنی ایشان کلمه، هنوز دانشجو نبوده و آن‌ها را باید زبانآموخته دانستن، در بخش زبان آلمنی به جای ارائه یک برنامه مدون، فشرده و منسجم، اقدام به تقسیم‌بندی حوزه‌های کوچک و مختلف و ارائه آن‌ها به صورت واحده، اما بدون قابلیت تعیین شده، گردد است. تقسیم جزئی و پراکنده واحدها، بدون تعیین وزن کل واحدها در آن حوزه و ارائه آن‌ها از سوی مدرسین متعددی که به صورت تیمی با یکدیگر هم‌کاری نمی‌نمودند و نیز اجراه انتخاب دروس عمومی و با حذف واحدهای تخصصی (با توجه به آیین‌نامه آموزشی)، عدم رشد یکنواخت مهارت‌های زبانی و همچنین عدم امکان تحرک و استفاده از منابع به روی آموزشی را در بی‌داشت است. یکی از دلایلی که با وجود منابع جدی در زمینه آموزش زبان آلمنی، سال‌ها از یک کتاب که دیگر حکم کتابی برای همه فصول را در دانشکده یافته بود، استفاده می‌شده، همین تقسیم‌بندی نادرست موضوعی و محتوایی بوده است. در بخش گروهی نیز از نظر محتوایی فقط شاهد ارائه تمرین ترجیم‌ایم. مبنا نظری ترجیم و تحلیل متن، اصلی‌سازه توجه قرار نگرفته است و آنچه در قالب یک درس به نام اصول ترجیم به ارزش دو واحد ارائه می‌شود به دلیل عدم تمرین محتوایی بیشتر افتاده تمرین ترجیم است. بدین ترتیب ارائه تمرین ترجیم تقریباً بدون زیربنا‌های نظری صورت می‌پذیرد. از دیگر قسمت‌های فراموش شده در این بخش، زبان‌شناسی کاربردی و تخصصی است. با توجه به ساختار مناسب و همچنین به تعاقب آن تنظیم ناصحیح محتوای آموزشی هر درس در برنامه دورة دوم، بیانگر این نکته است.
آموزش ترجمه: زبانآموزی با متجرمی

که محورهای این رشته با اصلاً تعريف نشد به یا مورد توجه اصولی قرار نگرفته است، حال آن که تعريف محورهای اصلی یک رشته، تعيين وزن هر محور و در یک راستا بودن محورها از ضروریات برنامه‌رزي صحیح برای هر رشته است.

عده توجه به محورهای فراينده، محصول و بستر فرهنگی در تدوين برنامه درسي رشته‌های متجرمی که بخشی از آن به تداخی دو حوزه آموزش زبان و آموزش ترجمه بر می‌گردد، پراکنده حوزه‌ای واحدها (آموزش زبان و ترجمه) و عدم رعایت ترتيب‌پذير خاص در آنها، همچنين فقدان ارتباط منطقی بین واحدهای ارائه شده در طول یک دور در کنار نبود تعريف درست و علمي از واحدهای درسي، تركيب نامتوان و غير علمي از درس‌هاي مختلف به دست داده است كه می‌توان از آن به عنوان اشكال‌ها اساسي برنامه‌درسي رشته‌های متجرمی زبان آلماني یاد كرد. اگرچه از ساختار برنامه برقي آيد که برنامه‌ريزی اوليه به بدون توجه به محورهای آموزشي این رشته صورت گرفته است، اما با اين وجود مي‌توان تقسيم‌بندی و توزيع واحدهاي درسي را به شكل زير گروه‌بندی كرد.

1-1. محور آموزش زبان

فinden دانش زبانی نه تها موجب عدم درک صحیح محورهای متن مبداء می‌شود، بلکه گاهي نيز به بازآفریني متنی مغيير با متن زبان مقدص من انجامد. ارائه برناکنده 46 واحد آموزش زبان در طول چهارسال تحصیلی رشته متجرمی، نشانگر توزيع نامتاسب واحدهاي اين حوزه در برنامه درسي است. با مشاهده جدول شماره 1، پراکنده‌گي تعريف نشده واحدها و تداخل حوزه آموزش زبان و حوزه آموزش ترجمه بيشتر نمايان ميشود.

1-2. محور فرهنگ

به هرمندي از دانش زبانی و آشنايي کافی با یک از فرهنگ‌هاي زبان مبدا و مقدص‌، از الزامات ترجمه محسوب مي‌شود. نداشتن شناخت فرهنگي و اجتماعي به هنگام ترجمه متون مختلف (به خصوص متون ادبي كه مربوط از اصطلاحات و تعبيرات خاص است) موجب عدم درک صحیح پيام متن و مي‌توان اصلي نويسينده و در نتیجه ارائه ترجمه‌هاي مي‌شود كه صرف
نظر از جنبه‌های مختلف، تأثیرگذاری لزوم را بر مخاطب نخواهد داشت (مولر- فولمر، 1998، ص 15). آشنایی با فرهنگ و جامعه زبانی به‌مانند بستره است ضروری که بدون آن امکان انتقال محتوا وجود ندارد. بنابراین در اطلاعات کافی در مورد تاریخ، جامعه و آداب و رسوم هر دو فرهنگ مبنا و مقصد به منظور پیامرسانی بهتر که گاه حتی با تغییرات متعادلی در متن مقصد در مقایسه با متن مبداً از جمله حذف و یا اضافه یا تغییر دید صورت می‌گیرد، الزامی است. در این باره فقط به ارائه درسی با عنوان درآمدی بر ادبیات (1 و 2) اکتفا شده است.

3-1 محور آموزش ترجمه

پیش بینی واهدهای تمرین ترجمه در بخش آموزش زبان و نیز ارائه‌های آن‌ها با عناوین نادیق در بخش آموزش ترجمه با وزنهای متغیر، اما تعیین نشده و به صورت گسسته و در قالب شماره‌های یک و دو، از مشکلات عمده این محور است. برای مثال با توجه به ارائه واحد درسی ترجمه به‌پایه‌ای ادایی و بازگانی در دو نیم‌ساله متوالی و عدم تعیین صحیح سرفصل‌ها، واحد شماره‌‌های دو در این درس و تقریباً در تمامی دروس دیگر به گونه‌ای تکرار و اتلاف وقت است. ارائه متن نیز به گونه‌ای است که تقریباً هیچ گونه تعیینی از انواع متن، اساس دسته‌بندی آن‌ها، مشخص‌سازی هر کدام، ارتباط معنایی و ساختاری جملات و صورت تغییرهای نظیر، با تمرين آن‌ها توجه شده است. در این بین نقش عامل انسانی (مترجم) و مشترک وابسته بودن درک متن با این عامل در تمرین ترجمه نادیده گرفته شده است (اشتویتسه، 1994، ص 212). در واقع از آنجا که دید کلی حاکم بر ترجمه، آموزش زبان انتخاب و تاریخ شدن همان‌گونه که برای ترجمه به دانشجو ارائه می‌شود با همین دید، یعنی دید آموزشی، شاید فقط منجر به تقویت بعد زبانی در دانشجو و نه حوزه‌کاری وی می‌شود. آموزش و پژوهش، در بخش اصلی و تفکیک‌نابین متر رشته‌تحصیلی را تشکیل می‌دهند. در برنامه، واحد پژوهش و نیز واحدهای نظری ترجمه در نظر گرفته شده است.
آموزش ترجمه: زبان آموزی یا مترجمی

تشخیص روند ذهنی ترجمه و اشراف به محتواي نظری ترجمه که در بعد پژوهشی به کار می‌آید و با بد ترجمه متن را از ابعاد مختلف آسانتر یا یا در واقع غنی تر سازد، فراموش شده است.

در این خصوص فقط به ارائه واحد اصول ترجمه اکتفا شده است که در آن به طبقه‌بندی مرحلات حل‌ظای، به‌شکلی به «ریشه‌کاری‌های ترجمه» پرداخته می‌شود، در صورتی که در دوره‌های ترکیب مترجم و به ویژه در قالب واحد‌های نظری، به ترجمه بیشتر بیشتر به عنوان یک فراورد و درآمده می‌شود، تا بیان شفاهی یا کتبی مشکلات ترجمه و به تعبیر بی‌سیب، محصول ترجمه و ارائه‌نه راه حل‌های آنها (بل. 1991، ص 31).

1-4.1. احکام تکمیلی و اختیاری

تسلط کافی به زبان متن، در واقع مستلزم درک مطلب و مفاهیم مورد بحث متن اصلي بدون ضعف زبانی در خصوص قواعد دستوری و مجموعه واژگانی به کار رفته در ساختار متن است. در واقع بخش عمده‌ای از درک محتوای متن صرف نظر از ارتباط معنایی بین واژگان آن به توانایی ترجمه در تجزیه و تحلیل ساخته‌های نحوی متن و ارتباط بین بخش‌های آن از دیدگاه زبان‌شناسی متن برمی‌گردد. همان‌گونه که از جدول شماره 2 برمی‌آید، اهمیت و ضرورت محور زبان‌شناسی، به عنوان محوری ضروری در برنامه‌های نوین و ارائه آن در قالب واحدهای تکمیلی یا محوری مستقل، در برنامه‌های دوره دوم مورد توجه قرار نگرفته است، به طریقه در این مورد فقط به ارائه واحدهای زبان‌شناسی همگانی (۱و۲) در نیم‌سالهای اول و دوم اکتفا شده است.

جدول شماره ۲

<table>
<thead>
<tr>
<th>تعداد واحدها</th>
<th>نام درس</th>
<th>نیم‌سال</th>
<th>محور</th>
<th>ردریف</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>زبان شناسی همگانی ۱و۲</td>
<td></td>
<td>اول و دوم</td>
<td>۱.</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>مبانی نگارش فارسی (تخصصی)</td>
<td>تکمیلی</td>
<td>چهارم</td>
<td>۱.</td>
</tr>
<tr>
<td>۲</td>
<td>اصول تحقیق</td>
<td></td>
<td>هفتتم</td>
<td>۲.</td>
</tr>
<tr>
<td>۱۲</td>
<td>زبان خارجی دوم (۱و۲و۳و۴)</td>
<td>اختیاری</td>
<td>سوم تا ششم</td>
<td>۲.</td>
</tr>
</tbody>
</table>
نتایج گیری

تغییر نگرش چنین نسبت به رشته متجمی و بازنگری اصولی و کلی برنامه و واحدهای درسی آن و انتزاع این رشته از زیر مجموعه آموزش زبان به حوزه‌های مستقل با واحدهایی کاربردی، از جمله راه‌های ارتقاء رشته متجمی در مقطع کارشناسی است. این تغییر نگرش با یاد همراه با تغییرات اساسی در ساختار و محتوای برنامه درسی باشد. همچنین تعیین دقیق رشته متجمی و اهداف آن، چگونگی ارائه رشته و پیشینی واحدهای اجباری، اختیاری و تکمیلی با یاد نظر قرار گیرد تا تنظیم و نگارش برنامه بر اساس مبایل‌های علمی صورت پذیرد. به تعاقب آن، می‌توان برای واحدهای درسی تناسب و وزن محتوای تعیین کرد.

منابع

1- گر، مصطفی، آموزش متجمی و تدوین برنامه تربیت متجمی، فصلنامه متجمی، ۳۳م، مشهد ۱۳۷۹.